

# نظام مالی در اقتصاد اسلامی

و

## فلسفه وجودی بانکداری اسلامی

مر تضحی والی نژاد



### نظام مالی در اقتصاد اسلامی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا

أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ

«سوره نساء: آیه ۲۹»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را از راه‌های نامشروع تصرف نکنید، مگر این که تجارتی باشد از روی رضایت طرفین.

مسلمانان در صدر اسلام دارای نوعی بانکداری و نظام سرمایه‌گذاری بودند که در اواسط سده هشتم هجری توسعه نسبتاً زیادی یافته بود و در آن، انواع ابزارهای پولی مانند چک، حواله و سفته رواج داشت. خدمات بانکی، از جمله مبادلات پولی نیز توسط بانکداران انجام می‌گرفت و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری به صورت مستقیم و بر مبنای تسهیم سود و زیان تأمین مالی می‌شدند. هم علما و هم بانکداران مسلمان بر این نکته واقف بودند که بر اساس احکام اسلام، سپرده‌گیرنده نمی‌تواند سپرده را به هر شکل که بخواهد، مورد استفاده قرار دهد. این نکته با مفهوم سپرده در غرب، که در آن سپرده‌گیرنده نه تنها اشیای سپرده‌شده را نگهداری می‌نمود، بلکه می‌توانست برای مقاصد تجاری مورد استفاده قرار دهد، متناقض است، زیرا برداشت اسلام از حقوق مالکیت باعث می‌شود که محدودیت‌های شدیدی برای استفاده از اموالی که نزد شخص به امانت گذاشته شده، اعمال شود.

مفهوم حقوق مالکیت در نظام اقتصادی اسلام اهمیت زیادی دارد و بسیاری از قواعد رفتار اقتصادی در اسلام را می‌توان به کمک این مفهوم توضیح داد. موضع قاطعی که علمای صدر اسلام در مورد مسائلی مانند ثبات ارزش پول، ثبات قیمت‌ها و کاهش پشتوانه پول اتخاذ می‌کردند، به دلیل

برداشت آنها از حقوق مالکیت و عدالت اقتصادی بوده است، زیرا هر عملی که باعث شود برخی از افراد جامعه نسبت به اموال دیگران صاحب حق مالکیت شوند، بدون آن که در مقابل چیزی تفویض شده باشد، در اسلام ممنوع شده است (۱:۱۸۳ و ۱۸۴). مالیه اسلامی ابتدا در کشورهای مسلمان دوران قرون وسطا اجرا شد و هدف از آن، ترویج تجارت و فعالیت‌های بازرگانی از طریق توسعه اعتبارات بوده است. در اسپانیا و کشورهای حوزه مدیترانه و بالتیک، تاجرهای مسلمان به صورت عوامل اجتناب‌ناپذیر فعالیت‌های تجاری درآمدند. کارشناسان مالی و بازرگان اروپایی بعدها بسیاری از فرضیه‌ها، تکنیک‌ها و ابزار مالیه اسلامی را پذیرفتند (۳۹ و ۲:۳۸).

اینک، نظام مالی اسلامی به‌عنوان جزئی از بخش مالی کشورهای اسلامی به سرعت در حال رشد است. این نظام تنها به کشورهای مسلمان محدود نمی‌شود، بلکه در هر مکانی که جمعیت چشمگیری از مسلمانان وجود داشته باشد، در حال پیدایش است (۲:۳۸).

رشد مالیه اسلامی در آغاز با مازاد حساب جاری کشورهای اسلامی صادرکننده نفت همراه بود و تداوم رشد آن، به‌رغم کاهش درآمدهای نفتی، نمایانگر نفوذ سایر عوامل مانند تمایل برای سیستم‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مبتنی بر اصول اسلامی و هویت اسلامی بوده است (۲:۳۸).

در چند دهه اخیر، فرایند اسلامی‌شدن نظام‌های اقتصادی بیش از هر زمان دیگر تجلی یافته است و تغییر در جهت تأسیس نظام اقتصاد اسلامی به‌گونه‌ای وسیع در حوزه علم اقتصاد مطرح شده است. با وجود این، سوء تفاهات معتابیهی وجود دارند و پرسش‌های گوناگونی در این زمینه مطرح می‌باشد، مانند اقتصاد اسلامی چیست؟ چگونه یک نظام مبتنی بر اسلام از سایر نظام‌های اقتصادی متمایز می‌شود؟ و... (۳:۱۱).

### اشاره

هفته بانکداری اسلامی، مناسبترین فرصت است برای تأمل و در خود نگریستن، ارزیابی گذشته، واکاوی عملکردها و ترسیم چشم‌اندازها.

به همین مناسبت، صفحات ویژه این شماره را به موضوع بانکداری اسلامی اختصاص داده‌ایم و از سه زاویه به بررسی این پدیده پرداخته‌ایم:

۱) نگاهی اجمالی به نظام مالی در اقتصاد اسلامی و فلسفه وجودی بانکداری اسلامی.

۲) مقایسه بانکداری اسلامی با بانکداری اخلاقی.

۳) عملکرد بانک‌ها در زمینه حساب‌های قرض‌الحسنه و اعطای جایزه به صاحبان حساب‌های مزبور.

این تحلیل انتقادی سه‌وجهی، مناسبات موجود بین واقعیات با حقایق را روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که تاکنون چه مقدار از این راه را پیموده‌ایم و چه قدر به کژراهه افتاده‌ایم.

بدیهی است که پیامد این مراقبه، چیزی نباید باشد جز اصلاح انحرافات و تصحیح عملکردها.

بانک و اقتصاد



۲. **أَتَمُّ بِالْأَمْرِ وَالْحَيَظَةُ بِالْحَيَظَةِ وَالشَّعِيرُ بِالشَّعِيرِ وَالْمَلِجُ بِالْمَلِجِ مِثْلًا مِثْلًا بَدَأَ بِيَدٍ قَنَزًا وَاسْتَرَادَ فَقَدَ أَرَبِي إِلا مَا اخْتَلَفَتِ الْوَأَنَّهُ.**

خرما در مقابل خرما، گندم در مقابل گندم، جو در مقابل جو، نمک در مقابل نمک، جنس در مقابل جنس و مشمت در مقابل مشمت بدهید و بگیرید؛ هرکس بیشتر بدهد یا بگیرد، ربا خوار است مگر آن که در جنس مختلف باشد.

۳. **أَلَاخِذْ وَالْمُطْطِي سَوَاءٌ فِي الرَّبَا.**

آن که ربا می‌دهد و آن که می‌گیرد، در گناه برابرند.

۴. **لَعْنُ اللَّهِ الرَّبَا وَ آيَكِلُهُ وَ كَاتِبُهُ وَ شَاهِدُهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ.** خدا ربا و ربا خوار را با نویسنده و شاهد معامله ربا اگر واقفند، لعنت کند.

۵. **لَعْنُ اللَّهِ أَيْكِلُ الرَّبَا وَ مُؤَكِّلُهُ وَ كَاتِبُهُ وَ مَانِعُ الصَّدَقَةِ.** خدا ربا خوار و ربا دهنده و نویسنده معامله ربا و مانع صدقه را لعنت کند.

۶. **الْتَّاجِشُ آيَكِلُ رَبَا مَلْعُونٌ** بازار گرم‌کن، ربا خوار ملعون است.

۷. **الرَّبَا وَ إِن كَثُرَ فَإِنَّ عَاقِبَتَهُ تَصِيرُ إِلَى قَلٍ.** ربا اگرچه بسیار باشد، سرانجام آن به کمی است.

«احادیث نبوی» (۳۱۸ و ۳۱۷: ۵).

ربا (۶) از گذشته‌های دور، امری شناخته شده بوده و برداشتی به سان سرقت داشته است. ادیان الهی، آن را به گونه‌ای حتمی و جازم تحریم کرده‌اند. در آیین یهود، ربا در معاملات یهودیان با یکدیگر تحریم شده؛ هر چند که گرفتن ربا از غنیزیهودی، بر ایشان جایز شمرده شده است. مسیحیت نیز ربا را ممنوع کرده است (۳۵: ۷).

ربا به معنای زیاده بر اصل در دادوستد، بدون آن که زیاده محصول کار یا فعالیت باشد، در تعالیم اسلامی مورد مذمت قرار گرفته و قرآن مجید در چهار سوره «روم، بقره، آل عمران و نساء» آن را به شدت تقبیح و به صورت صریح و روشن منع نموده است (۹۳ و ۳۵: ۸).

براساس تعالیم اسلام، هرگونه پرداخت تحمیل شده اضافه بر اصل قرض و همچنین، هرگونه دریافت اضافی مقدار در مبادله پایاپای یک نوع کالا، بدون در نظر گرفتن این که آیا این اضافه را می‌توان به وسیله تفاوت کیفیت توجیه نمود یا خیر، ربا تلقی می‌شود. در زمینه این موضوع، اختلاف نظر در ادبیات اقتصاد اسلامی - اعم از گذشته و حال - به چشم نمی‌خورد. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که دو نوع معامله در اقتصاد اسلامی تحریم شده است:

- گرفتن بهره بر وام یا قرض.

- مبادله پایاپای یک کالا با کیفیت‌های مختلف (۸۲: ۸).

از آنجا که هدف از استقرار قسط اسلامی محو روابط

برداشت عمومی این است که مفهوم ساخت مالی بدون ربا (بهره)، پایه نظام اقتصادی اسلام را توصیف می‌کند. با این که حذف ربا (بهره) مرکز اصلی نظام اقتصادی اسلامی است، اما این برداشت تعریف جامعی برای نظام اقتصاد اسلامی و حتی برای بانکداری اسلامی نیست. به مفهوم وسیع کلمه، اصطلاح اقتصاد اسلامی موضوع‌های وسیع، همانند حق مالکیت، چگونگی ایجاد انگیزه، تخصیص منابع، انواع آزادی اقتصادی، نظام تصمیم‌گیری اقتصادی و به‌ویژه نقش صحیح دولت را دربرمی‌گیرد و در رأس این موضوع‌ها، عدالت اجتماعی، طرح‌های ویژه توزیع درآمد و دارایی و در نتیجه، سیاست‌های اقتصادی قرار دارند که برای دستیابی به این هدف‌ها طراحی می‌شوند. صرف‌نظر از بحث پیرامون نرخ بهره، اقتصاد اسلامی، همچنین، رهنمودهایی مانند سیاست مالیاتی و توجیه و تبیین هزینه‌های دولت را نیز ارائه می‌دهد. نظام مالی اسلامی باعث تشویق مشارکت در خطرپذیری (ریسک) و کارآفرینی می‌شود. مانع از فعالیت‌های سفته‌بازی می‌گردد و احترام‌گذاشتن به قراردادهای مورد تأکید قرار می‌دهد. بنابراین، انتظار می‌رود که بانکداری اسلامی به صورت فعال در جهت تحقق هدف‌های اقتصاد اسلامی و در نتیجه، همصدا با نظام ارزش‌ها و اخلاق اسلامی گام بردارد (۱۱: ۳ و ۳۸: ۲).

بانکداری، پیشرفته‌ترین بخش نظام مالی اسلامی است. اصطلاح بانکداری اسلامی، به مفهوم امروزی، از قدمت دیرینه‌ای برخوردار نیست، هر چند که ریشه‌ها و مبانی مطالعاتی آن را در تحقیقات و پژوهش‌های متفکران و فرزندانگان مسلمان متقدم، به ویژه امام فخر رازی، ابن‌خلدون و ابوحامد امام محمد غزالی می‌توان یافت. با این وصف، منابع امروزی این مطالعه، به‌ویژه آنچه به مطالعه دو دهه اخیر مربوط می‌شود، افزون بر آن که به گونه‌ای منسجم فراهم آمده است، از غنای محتوایی سرشاری نیز برخوردار می‌باشد (۲۸: ۲ و ۲۷ و ۲۶: ۴).

**فلسفه وجودی بانکداری اسلامی: تحریم ربا**  
**أَحَلَّ اللَّهُ التَّبِعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا**

«سوره بقره: آیه ۲۷۵»  
 خداوند «بیع» را حلال و «ربا» را حرام کرده است.

۱. **شَرَّ الْأُمُورِ مُحْدَثَاتُهَا وَ شَرُّ الْعُمَى عُمَى الْقَلْبِ وَ شَرُّ الْمَعْزِرَةِ حِينَ يَحْضُرُ الْمَوْتُ وَ شَرُّ الدَّامَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ شَرُّ مَا كُلُّ أَكَلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ شَرُّ الْمَكَايِبِ كَسْبُ الرِّبَا.**

بدترین چیزها مبتدعات آنست؛ بدترین کسب‌های کوری قلب است؛ بدترین توبه‌ها هنگامی است که مرگ درآید؛ و بدترین پشیمانی‌ها روز قیامت است؛ بدترین خوردن‌ها خوردن مال یتیم است و بدترین کسب‌ها کسب ربا است.

○ رباخوار، از مطلوبیتی که دیگران با کار و کوشش خود ایجاد می‌کنند، تغذیه می‌نماید و ربا، وسیله‌ای برای تمرکز و تداول ثروت و تکاثر قدرت اقتصادی و غارت دیگران می‌شود که با منطق، عدل و قسط قابل توجیه نیست.



○ بر اساس احکام اسلام، سپرده‌گیرنده نمی‌تواند سپرده را به هر شکل که بخواهد، مورد استفاده قرار دهد.

○ تهدید قرآن درباره «ربا» هم از لحاظ لفظ و هم از لحاظ معنی، درباره هیچ موضوع دیگری به‌کار نرفته است.

گروگان گذاشته بود، به بردگی به ربا دهنده می‌داد (۱۰:۱۶۰). پیامبر گرامی اسلام، بر اساس آیات الهی، رباخواری را از ابتدای بعثت مورد نکوهش قرار دادند و مسلمانان را از این کردار نهی فرمودند و ضمن پیروش اخلاق اقتصادی برای مسلمانان و مذموم شناختن ربا، به تدریج، دامنه این عمل را محدود ساختند. پس از مدتی، ربای مرکب را تحریم کردند و در سال‌های آخر هجرت، ربای ساده و یا هرگونه ربا - اعم از قرض یا معامله به هر اندازه - را به شدت تحریم کردند و گناه از تکاب به آن را یکی از بالاترین معاصی برای مسلمانان اعلام داشتند. در نتیجه، این کردار مذموم از حوزه فعالیت‌های اقتصادی صدر اسلام پاک شد و پس‌اندازها از راه‌های مجاز به بهره‌گیری رسیدند. این تحریم، دامنه استفاده از پول را به شکل کامل محدود ساخت و برای انتفاع صاحبان پس‌انداز، راهی به جز مشارکت و ایجاد ارزش افزوده باقی نگذاشت. بدین ترتیب، پس‌اندازکنندگان را نیازمند سرمایه‌گذاران نمود تا به وسیله ایشان بتوانند به کسب درآمد بپردازند. این تغییر وضعیت که در اثر تغییر حقوق اقتصادی و امتیازات قانونی در اقتصاد صدر اسلام پدید آمد، همراه با سایر تشویق‌هایی که از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران به عمل می‌آمد، امتیاز قانونی و منزلت جدیدی را برای ایشان ایجاد می‌کرد که خودبه‌خود درصد سهم ایشان را در مشارکت‌ها بالا می‌برد (۱۶۱ و ۱۰:۱۶۰).

حکم تحریم ربا یکباره و دفعی نبوده است. نهی قطعی از ربا مانند دیگر احکامی که مخالف عادات و رسوم ریشه‌دار آن زمان بوده، بعد از آماده‌کردن افکار و توجه به خطرات و زشتی‌های آن، اعلام شده است. یک بار در ضمن نکوهش روش و اعمال یهودیان، رباخواری آنها را تذکر می‌دهد و مسلمانان را متوجه زشتی این عمل می‌سازد (۱۱). در مرحله دیگر، مورد خطاب مردم متصف به ایمانند؛ در این خطاب، صریحاً از رباخواری مضاعف (سود بر سود و سرمایه) نهی نموده، تهدید کرده و برحذر داشته است (۱۲). در آخرین مرحله هم قرآن در آیات متوالی از سوره بقره، پس از تمثیل و تهدید و وعید، حکم قطعی اقسام و انواع ربا و النای سرمایه‌های ربوی را اعلام فرموده است (۹:۱۷۸).

در قرآن کریم، واژه «ربا» یک بار به صورت نکره (ربا) و هفت بار به صورت معرفه (الربا) آمده است. این آیه‌ها را می‌توان در چهار مجموعه یا بخش جای داد که به دو گروه آیه‌های نازل شده در مکه و مدینه تقسیم می‌شوند:

۱) آیات نازل شده در مکه: تنها آیه ۲۹ از سوره روم در مکه مکرّمه راجع به ربا نازل شده است. مضمون آیه مبارکه این است: ربا را که به عنوان زیادی در اموال مردم انجام می‌دهید، در نزد خداوند، زیادی نمی‌آورد، اما زکاتی که به قصد «وجه الله» می‌پردازید، چند برابر آن به شما بازپرداخت می‌شود. با آن که

استعماری در جامعه در هر شکل می‌باشد، ربا که از طریق استثمار به دست می‌آید، مطرود بوده و حرام شمرده می‌شود. رباخواری، از مطلوبیتی که دیگران با کار و کوشش خود ایجاد می‌کنند، تغذیه می‌نماید و بدینگونه ربا، وسیله‌ای برای تمرکز و تداول ثروت و تکاثر قدرت اقتصادی و غارت دیگران شده و با شیوع آن در جامعه، نابرابری‌های اقتصادی و شکاف‌های اجتماعی تشدید می‌شود که با منطق، عدل و قسط قابل توجیه نمی‌باشد (۸:۳۶).

در شبه جزیره عربستان، پیش از اسلام، دریافت ربا منع نداشت و قانونی نیز در میان نبود. پس از مهاجرت بعضی از طوایف یهود به مدینه و اطراف جزیره و رواج تجارت در مکه و دیگر شهرها، وام‌های ربوی شایع شد و رواج یافت و سرمایه‌داران عرب هم شیوه‌های رباخواری را از یهودیان آموختند، زیرا یهودیان در جذب ثروت از راه ربا و مانند آن مهارت داشتند و بیشتر اشخاص معتبر - از یهود و دیگر سرمایه‌داران - با سود کمتر پول به قرض می‌گرفتند و به دیگران با سود مضاعف که گاهی چندین برابر اصل می‌شد، قرض می‌دادند. با توجه به شیوع رباخواری و قدرتی که سرمایه‌داران رباخوار، به‌ویژه در جزیره‌العرب و در دو شهر مکه و یثرب که محل و مرکز طلوع اسلام بود، داشتند، تحریم کلی و قطعی معاملات ربوی و النای منابع آن، مانند النای مالکیت مطلق ارضی، یکی از فروع انقلاب بیسابقه فکری و اجتماعی و اقتصادی اسلام است (۱۷۷ و ۹:۱۷۶).

متداولترین شیوه‌ای که پس‌اندازها را پیش از اسلام به جریان تجارت و یا مصرف سوق می‌داد، قرض ربوی یا معامله ربوی بود. رونق تجارت پیش از اسلام نیاز به سرمایه را شدت بخشید و این شدت تقاضا، زمینه را برای عرضه ربوی آن فراهم کرد. به هنگام قرض، وام‌دهنده شرط می‌کرد که مبلغی اضافه بر اصل وام به وی بازگردد. در موقع معامله، رباخوار سرمایه غیرنقدی خود را به مبلغی اضافه‌تر از مقدار آن می‌فروخت (۱۰:۱۶۰).

از نظر فروتمندان قریش، ربا بهترین شیوه بهره‌برداری از پس‌اندازهایشان بود، زیرا رباخواری نیاز به تحمل مشکلات و سختی مسافرت و حمل‌ونقل کالا برای تجارت نداشت و بدون این سختی‌ها بهره به دست می‌آوردند. این بهره در عین حال شایان توجه بود، زیرا اندوخته سرمایه در میان اهل حجاز، که بیشتر چادرنشین و بیابانگرد بودند، اندک بود و افزون بر آن، در تجارّت تقاضای مبرمی برای سرمایه وجود داشت. همچنین، صاحبان اموال ناگزیر بودند که خطر راه‌های طولانی و خشک و ناامن را متحمل شوند، در حالی که سرمایه ربا دهندگان و ربح آن از هر خطری مصون بود. چنانچه وام‌گیرنده‌ای هم قرض ربوی خود را نمی‌توانست بپردازد، خود یا یکی از خویشانش را که به



ریاخواری نزد مشرکان به شدت رواج داشته، آیه از شدت چندانی برخوردار نیست، حتی با تعبیر قانونی «حرام بودن» همراه نیست. این امر بیشتر بیانگر جنبه‌های باطنی و غیبی ربا می‌باشد. این آیه لطایف فراوانی هم دارد، مانند:

- ربا با آن که دریافت مبلغی بیش از اصل است، در واقع «فزونی» نیست.

- زکات با آن که پرداخت مال است، پرداخت‌کننده را به «فزونی» می‌رساند.

- آنچه به اموال رباخوار افزوده می‌شود، درحقیقت، اموال مردم است.

- معاملات ربوی، درحقیقت، سبب نقل و انتقال نیست، و افزون بر سرمایه، در ملک مالک اصلی آن باقی است.

و...

### ۲) آیات نازل شده در مدینه:

(۲-۱) آیه ۱۳۰ سوره آل عمران، مستقیماً و چند آیه بعد از آن در ارتباط با ربا هستند. مضمون آیه: ای مؤمنان، ربای چند برابر (اضعاف مضاعفه) نخورید، و پرهیزگار باشید تا به سعادت برسید. عبارت «اضعاف مضاعفه» به معنای دو قسم بودن ربا نیست. شایعترین ربا، فزودن مبالغی بر اصل وام در صورت دیرپرداخت بود، و لذا گاهی با گذشت چند سال، وام با سود آن به چند برابر اصل بالغ می‌شد.

(۲-۲) آیه ۱۶۱ سوره نساء، از رباخواری «اهل کتاب» با آن که بر آنها حرام بوده، سخن می‌گوید. این آیه مبارکه در ضمن آیاتی است که انحرافات عملی اهل کتاب را اعلام می‌دارد. قرآن مجید، با این آیه، اضافه بر قبول حرمت ربا در ادیان آسمانی پیشین، به نحو ضمنی به تحریف تورات اشاره می‌نماید.

(۲-۳) آیه‌های ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره بقره، عمده‌ترین و شدیدترین آیات قرآن درباره ربا بشمار می‌آیند و به مطالب مهمی در این زمینه اشاره دارند:

- رباخواران همچون انسان «جن زده» رفتار متعادل ندارند. - علت این «کج رفتاری» اندیشه اقتصادی آنان است که معتقدند ربا همچون سایر معاملات (دادوستدها) است.

- صریحاً ربا را حرام و سرانجام آن را جاودانگی در آتش خشم الهی اعلام می‌دارد.

- خدای متعال، ربا را نکوهش کرده و صدقه دادن را تشویق می‌کند.

- مؤمنان رباهای باقیمانده را رها کنند، و در صورت ادامه آن، درحقیقت، با خدا و پیامبر (ص) اعلان جنگ می‌کنند.

و... (۱۰-۸: ۱۳).

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَاتَّقِهَا فَلَهُ مَا

سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ «۲۷۵» يَتَحَقَّقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ «۲۷۶» إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ هُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ «۲۷۷» يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ «۲۷۸» فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظَلَّمُونَ «۲۷۹» وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ «۲۸۰» وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ «۲۸۱».

«سوره بقره: آیات ۲۷۵ تا ۲۸۱»

آنها که ربا می‌خورند - در رستاخیز - به پا نمی‌خیزند، مگر مثل آن که جن زده و شیطان زده - کسی که شیطان به او دست زده و او را معذب نموده - شده باشد و در موقع رفتن تلو تلو بیخورد. این بدان جهت است که آنها گفتند: «خرید و فروش هم مانند ربا است»، در حالی که خدا خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام کرده است. آن کس که از جانب خداوند گارش اندرزی به او برسد و از آن پند بگیرد و دست از کار ناپسند بردارد، گذشته‌ها از آن اوست - آنچه گذشته، حلالش باد - و کارش به دست خدا و به سوی خداست، اما آنکس که دوباره برگردد، و باز هم به همان راه باطل خود رود، آنها - دوزخیانی - همدمان آتش هستند که در آتش جاودانه‌اند. خدا ربا را نیست و نابود و بی‌ثمر می‌کند و به جایش، صدقات را می‌افزاید و بارور می‌سازد و خدا انسان‌های کافر پیشه تجاوزکار گنهکار را دوست ندارد.

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته و پسندیده کردند و نماز به پا داشتند و زکات دادند، پاداششان نزد خداوند گارشان است و نه بیمی بر آنهاست و نه دچار اندوه می‌شوند. ای مردم با ایمان! از خدا پروا داشته باشید، و بقیه ربا را که هنوز نگرفته‌اید، رها کنید و نگیرید، اگر ایمان دارید. اگر (چنین) نکردید و باز هم ربا را مطالبه کردید، اعلام جنگ کنید با خدا و پیامبرش، اما اگر توبه کردید، اصل وامی را که داده‌اید، «رأس المال» - اصل مالتان - را می‌توانید بگیرید. نه باید ستم کنید و نه بر شما ستمی می‌رود. اگر درباره اصل مال هم کسی تنگدست و در فشار است، مهلتی بدهید تا گشایشی در کارش پدید آید. اگر از اصل مال هم در این حالت که بدهکار، دچار تنگدستی است، بگذرید و آن را در راه خدا به او ببخشید، برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.

پروا داشته باشید از روزی که در آن روز به سوی خدا بازگردانده می‌شوید و به هر انسانی تمام و کمال، آنچه خود

○ برداشت عمومی این است که مفهوم ساخت مالی بدون ربا (بهره)، پایه نظام اقتصادی اسلام را توصیف می‌کند، اما این برداشت تعریف جامعی برای نظام اقتصاد اسلامی و حتی برای بانکداری اسلامی نیست.



جایگزین، تنها باید به گونه‌ای مستقل و به وسیله رجوع به هدف‌های اساسی سیاستگذاری در یک جامعه اسلامی ارزیابی شود (۱۶:۹۳).

### زیر نویس ها

۱) عباس میرآخور / نظریه نظام مالی اسلامی / مقالاتی در اقتصاد اسلامی (روش اسلام در حل مسایل اقتصادی) / ترجمه حسن گلریز / چاپ اول / مؤسسه بانکداری ایران / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲) نظام‌های مالی اسلامی / نامه اتاق بازرگانی / شماره ۱۱ / بهمن ۱۳۷۶.

۳) صندوق بین‌المللی پول / تجزیه و تحلیل نظری، بانکداری اسلامی بدون بهره / ترجمه محمد فیروزدر / تازه‌های اقتصاد / شماره ۴۸ / مهر ۱۳۷۴.

۴) سیدعلی اصغر هدایتی / درباره بانکداری اسلامی / تازه‌های اقتصاد / شماره اول / خرداد ۱۳۶۸.

۵) مرتضی فرید تنکابنی / رهنمای انسانیت / چاپ اول / دفتر نشر فرهنگ اسلامی / زمستان ۱۳۷۴.

۶) مفهوم «ربا» که بیشتر مترادف با واژه «بهره» به کار می‌رود، متضمن معنا و کاربردی به مراتب وسیعتر از آن است.

۷) مهدی هادوی تهرانی / موضوع‌شناسی ربا از دیدگاه فقه / مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات هفتمین سمینار بانکداری اسلامی / شهریور ۱۳۷۵ / چاپ اول / مؤسسه بانکداری ایران / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۸) مقدمه‌ای بر مبانی نظام بانکداری اسلامی / چهار مقاله تحقیقی درباره مسایل مربوط به اقتصاد اسلامی / اداره آموزش و مطالعات نیروی انسانی / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / اردیبهشت ۱۳۶۸.

۹) سید محمود طالقانی / اسلام و مالکیت.

۱۰) سید کاظم صدر / اقتصاد صدر اسلام / چاپ اول / انتشارات دانشگاه شهید بهشتی / ۱۳۷۴.

۱۱) سوره نساء: آیه ۱۶۱.

۱۲) سوره آل عمران: آیات ۱۳۰ و ۱۳۱.

۱۳) ربا در نظرخواهی از اساتید حوزه علمیه / نامه مفید / سال ۴ / شماره اول / بهار ۱۳۷۷.

۱۴) سید محمد حسین بهشتی / ربا در اسلام / چاپ اول / دفتر نشر فرهنگ اسلامی / بهار ۱۳۶۹.

۱۵) سید قطب / مقابله اسلام با سرمایه‌داری و تفسیر آیات ربا / ترجمه سید محمد رادمثنی / چاپ چهارم / بنیاد علوم اسلامی / آبان ۱۳۶۰.

۱۶) حیدر نقوی / اخلاق و اقتصاد در صدر اسلام / ترجمه حسن توانایان فرد / چاپ اول / مهر ۱۳۶۶.

برای خود به دست آورده، داده می‌شود. و بر انسان‌ها ستمی نمی‌رود (۱۶ و ۱۴:۱۵).

در این آیات، اسلام با یک جناح از اقتصاد ظالمانه و بی‌عدالتی اقتصادی، مبارزه می‌کند و آن جناح، «ربا» است. در محیط نزول قرآن، یعنی سرزمین حجاز، یک دسته رباخوار حرفه‌ای آباواجدادی وجود داشتند و آن گروهی از یهود مدینه بودند که از راه رباخواری، ثروتمند شده بودند و کار آنها این بود که ببینند چه کسی نیاز به پول دارد تا با حداکثر نرخ ربا به او وامی بدهند و سپس اصل و فرع را بگیرند. به دنبال اینان، چند تن از مشرکان مکه و قریش هم رباخوار بودند (۱۷ و ۱۴:۱۶).

آنچه از آیات یادشده به صورت روشن و قطعی فهمیده می‌شود، همانا تحریم ربا و تشدید در جلوگیری از آن است. تهدیدی را که قرآن کریم از جهت لفظ و معنی درباره ربا نموده است، در هیچ موضوع دیگری نمی‌توان به اینگونه یافت (۹:۱۸۴) و (۱۵:۱۱۴).

دو نظام اسلامی و ربوی، در اصل و بنیاد دارای تضاد می‌باشند. این دو رویکرد، نه در شیوه تفکر و اساس با هم توافق دارند و نه در نتیجه و آثار. هر کدام از این دو نظام که برای زندگی و هدف‌های آن در نظر گرفته شده، با دیگری به تمام معنی متناقض است (۱۵:۱۱۵).

حذف ربا یکی از ابزارهای سیاستگذاری برای استقرار یک جامعه مبتنی بر قسط است. برابری نرخ بهره با صفر از مشخصه‌های یک اقتصاد اسلامی است. دستور اسلام به حذف ربا، دعوتی است برای تجدیدنظر در کلیه روابط اساسی اقتصادی جامعه.

حذف بهره به معنای هرج و مرج و رکود اقتصادی نیست، بلکه دستوری اخلاقی برای معکوس کردن جریان اقتصادی مبتنی بر ربا می‌باشد که سبب ایجاد نابرابری‌های ناخالص در درآمد و ثروت است، تا سعادت جامعه به آنگونه که مورد نظر اسلام است، به حداکثر برسد (۱۶:۱۰۱).

تحریم ربا در اسلام، یک مورد خاص از قاعده کلی‌تری است که کلیه معاملات مالی را، که به نابرابری‌های اجتماعی دامن می‌زنند، تحریم می‌کند. تحریم ربا یک قاعده اختیاری نیست که بتوان آن را از طریق یک آیین‌نامه اداری از بین برد. آنچه در مدنظر است، همانا نفی شیوه خاص قیمت‌گذاری سرمایه، یعنی از طریق نرخ مثبت بهره است که چون مخالف فلسفه اخلاقی اسلام می‌باشد، باید از رده ابزارهای سیاستگذاری موجود و از اختیار سیاستگذار در اقتصاد اسلامی خارج شود (۹۳ و ۱۶:۹۲).

غیرمنطقی است اگر بگوییم چون از دید اسلام نرخ مثبت بهره ممنوع است، پس هر خط‌مشی اقتصادی دیگری به جای آن نیکو می‌باشد. بهینگی (Optimality) سیاست‌های

○ دو نظام اسلامی و ربوی، در اصل و بنیاد دارای تضاد می‌باشند. این دو رویکرد، نه در شیوه تفکر و اساس با هم توافق دارند و نه در نتیجه و آثار.